

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الَّذی هدانا الی الحق وقد اودعه الی اهله والثناء  
 علی من احصى رمل عاج وقد عدّده الی ما لا نهاية له.  
 ثم الصلوة والسلام علی ختم الرّسل وهادی السّبُل الَّذی  
 به زالت ظلام الدّجی وكشفت استار الخباء مولانا  
 ومقتدهانا وهادینا محمّد صلی الله علیه و آله وعلی ذریته وآله الَّذین هم  
 سادات الزّمان وامناء الرّحمن الطّیّبین الطّاهرین واللّعن  
 الدائم علی اعدائهم ومحبّهم من الآن الی یوم القیام.

و بعد چنین گوید غریق بحر معاصی و متحریر در تیه مناهی بنده  
 کمترین و تراب اقدام محصلین و مشتغلیں سید محمد جواد ذهنی تهرانی.  
 از جمله علوم شریفه‌ای که خداوند منان آن را از دسترس عموم  
 بر حذر داشته و آن را اختصاص به انبیاء و اولیاء ختم داده و بعد به  
 معدودی از افراد به عنوان مشتم نمونه خروار اعطا فرموده است علم  
 صحیح و عزیز رَمَل می باشد و چنانچه صاحب نفحات از ابن عباس نقل  
 نموده این علم از جمله معجزات هفت تن از انبیاء عظام باین شرح:  
 آدم، شیث، ادریس، لقمان، شعیا، ارمیا و دانیال علیهم السلام بوده است.  
 و این روایت منسوب بحضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام است که

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاهُ أَفَاضَ عَلَىٰ أَدْرِيسَ عِلْمًا تَرْمَلًا وَأَهْمَهُ عِلْمَ  
النَّقَاطِ بِفَضْلِهِ وَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ كُلَّمَا كَانَ مُشْكِلًا.

و از نظر فقهاء عظام نیز از جمله علوم صحیحه شمرده می شود و  
کافی است به عنوان شاهد بر این مدّعی کلام مرحوم خلد آشیان خاتم  
المجتهدین استاد الاساتید حاج شیخ مرتضی الانصاری عطرالله  
مرقدہ الشریف که فرموده:

أَمَّا بَعْضُ الْعُلُومِ الصَّحِيحَةِ كَالرَّمْلِ وَالْجُغْرَاخِ.

و حقیر بعد از فراگرفتن این علم از استاد این فن بحسب التزام  
شرعی که نزد استاد بعهدہ گرفتم تدریس این علم را ترک نمودم فلذا تا  
حال هر چه طالبین این علم مراجعه نموده اند قبول ننمودم ولی بعداً  
بخاطر فائز چنین آمد که رساله مختصری که حاوی امّہات این علم باشد  
را به طرز ساده و روان نگاشته که در صورت مراجعه افراد صالح از باب  
زکوٰۃ العلم تعلیمه به آنها تقدیم کنم که در این صورت هم با سیره مرضیّه  
اهل علم مخالفت نکرده و هم خلف عهد ننموده باشم، بنابراین رساله  
مختصر حاضر را در این علم نوشته و به «کفایة الرمل» مرسوم نمودم.  
ناگفته نماند:

این رساله که در واقع یک وجیزه ای است، در سنوات پیشین طبع  
گردید و در اختیار طالبین قرار داده شد و چون به مرور ایام رفته رفته  
طالبین و طرفداران این رساله روبه فزونی گذاردند بالطبع نسخه های منتشره  
آن در بازار به کاهش گرائید و بهمین جهت تک نسخه های که از آن

جسته و گریخته در برخی از کتاب‌فروشی‌ها یافت می‌شد به قیمت گزافی به فروش می‌رفت.

بهر صورت اشتیاق وافر طالبین و مراجعات پی‌درپی ایشان حقیر را وادار نمود که در صدد اصلاح نسخه قبل برآمده و احیاناً اضافاتی به آن ملحق نموده و با هیئت و وضع بهتری با مسئولیت ناشر محترم آن طبع و به بازار عرضه گردد.

امید است این خدمت ناچیز و هدیه ناقابل مورد توجه طالبین

سید محمد جواد ذهنی تهرانی

واقع شود.

## مقدمه: اوقات رمل

برحسب قاعده برای هر چیزی ساعت و وقتی معین نموده‌اند و استادان این فن نیز برای استخراج مطلوب از طریق رمل ساعات و اوقاتی را معین کرده‌اند که ما به طور اجمال به آنها اشاره می‌کنیم:

به تجربه ثابت شده است که در وقت ابر و وزش باد و طوفان و حصول آیات سماوی حال سائل درست معلوم نمی‌گردد و غالباً در این حالات اشکال در رمل منقلب هستند که این خود علامت عدم انتاج است.

و نیز وقت حلول قمر در برج عقرب را نحس دانسته‌اند و از ایام روزهای:

۳، ۵، ۷، ۸، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۹. را منحوس و روزهای:  
۱، ۲، ۶، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۳۰ را نیک

و روزهای:

۴، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۸ را میانه گفته‌اند.

و بهترین ساعات وقت بین الطلوعین می‌باشد.

## تذکر

سزاوار است در موقع عمل با طهارت و دوزانو و رو به قبله نشینند و در مکان عمل شخص جُنُب و حائض نبوده و حتی الامکان محلّ از ارجاس و اقدار پاک باشد و در موقع عمل با کسی سخن نگویند و نیز از اِعمال آن برای استفادات دنیوی اجتناب نموده کما اینکه از کثرت اشتغال به آن حذر نمایند که مورث درویشی و فقر می باشد. و استادان این فن گفته اند:

مراعات آداب و سنن اثر بسزائی دارد و از جمله آنها دعا قبل از ریختن قرعه یا چیدن نقاط می باشد.

## دعا قبل از ریختن قرعه یا چیدن نقاط

صاحب نادر الرمل شیخ عبدالله معین می گوید:

شرط رمل آن است که وقت آن را بداند و از اعتقاد تمام متوجه آن شود نه از روی امتحان و نیز لازم است خاطر را از مشاغل پاک ساخته و از حضرت رب العزّة حقیقت حال را مسئلت نموده آنگاه آیه و عنده مفتح الغیب... الی آخر را هفت نوبت بخواند و در صورت حاجت سه نوبت و اگر نتواند یک نوبت کاف است.

و اولی آنستکه:

اول صلوات فرستاده و سپس یک بار فاتحةالکتاب و بعد سه بار سوره انا انزلنا و سپس پانزده بار صلوات فرستاده و آنگاه قرعه بیاندازد و یا نقطه بریزد.

قابل توجه آنکه اگر شخص نقطه می‌ریزد سعی کند نقطه‌ها را از سمت چپ بطرف جانب راست بیکدیگر وصل کند تا به مقصود نائل آید.

و رعایت این نکته بسیار لازم است که هر سطری کمتر از شانزده نقطه نباشد.

مؤلف گوید:

عمل ما در هنگام ریختن قرعه یا احداث نقاط به این کیفیت بوده که:

ابتداء بسم الله الرحمن الرحيم گفته و بعد از آن یک بار صلوات بر پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل اطهرش فرستاده و سپس یک بار آیه الکرسی خوانده و به دنبال آن یک مرتبه فاتحةالکتاب را قرائت نموده و پس از آن سوره زلزال را یک مرتبه و بعد از آن آیه شریفه:

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

را یک بار خوانده و بعد با کمال توجه دعاء ذیل را قرائت

می نمائیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ إِسْمٍ دَعَاكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ قَائِماً أَوْ قَاعِداً سَاجِداً أَوْ  
 رَاكِعاً فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فِي السَّبْعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَفِي مَنِي وَعَرَفَاتٍ وَعِنْدَ  
 مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ  
 فَسَمِعْتَ نِدَائَهُ وَكَشَفْتَ بَلَاءَهُ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي حَاجَتِي مِنْ هَذِهِ الْخُطُوطِ  
 بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ قَدِيرٌ وَأَنْ تُبَيِّنَ لِي هَذَا الضَّمِيرَ  
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

www.fmehr.com

## فصل اول:

### کیفیت پیدایش شانزده خانه رمل از اقها

رمل دارای شانزده خانه است که این خانه‌ها را معمولاً از دو راه تحصیل می‌کنند:

۱- از طریق ریختن نقطه.

۲- از راه ریختن قرعه.

### طریقه اول

#### ریختن نقطه

بعد از خواندن دعاها و به جای آوردن مقدمات از طرف چپ صفحه کاغذ شانزده سطر نقطه می‌ریزند مانند شکل صفحه بعد:



.....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....

سپس از سمت چپ نقطه‌ها را دوتا دوتا بهم وصل می‌کنیم تا سطور تمام شوند قهراً در پایان هر سطر یک نقطه فرد باقی مانده و یا زوج یعنی دو نقطه متصل بهم.

پس از هر چهار سطر شکلی حاصل می‌شود لذا از مجموع شانزده سطر چهار شکل بدست می‌آید بنام امّهات که دوازده شکل دیگر را از این چهار شکل تحصیل می‌کنند به نحوی که بعداً ذکر خواهد شد.

### تذکر لازم

ناگفته نماند که نقطه‌هایی که ریخته می‌شوند لازم نیست

تعدادشان در سطور با هم مساوی باشد بلکه در هر سطر بی حساب نقطه ریخته می شود.

البته بعضی از استادان مانند صاحب نادرالزمل گفته است: هر سطر کم تر از شانزده نقطه نباشد و برای نشان دادن طرز تحصیل امهات از سطور در ذیل چهار سطر از نقطه می ریزیم که از آن یک شکل بدست می آید و با توجه به آن می توان بقیه امهات را از سطور دیگر بدست آورد.

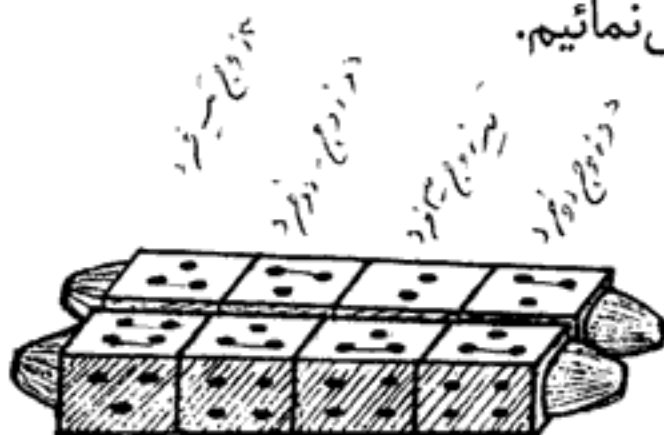
.....  
 .....  
 .....  
 .....

و چنانچه ملاحظه می شود بعد از وصل کردن نقاط از سطر اول یک فرد و از سطر دوم همچنین و از سطر سوم زوج و از سطر چهارم باز یک نقطه فرد باقی مانده است که وقتی آنها را به طور عمود زیر هم قرار دهیم شکل (نُ) حاصل می شود.

و همچنین است تحصیل امهات از طریق ریختن قرعه یعنی بعد از قرائت ادعیه دو تا قرعه را می اندازیم بعد آنها را بصورت دو خط افقی زیر هم قرار می دهیم بطوری که مهره ها با هم جفت شوند ملاحظه می کنیم که نقاط فرد و جفت هر مهره بطور عمودی زیر هم قرار گرفته و از جفت شدن دو مهره با هم یک شکل حاصل می شود قهراً از جفت شدن کاً، مهره ها که

هشت تا هستند چهار شکل بدست می آید و این چهار شکل همان امهات بوده که دوازده شکل دیگر را از آنها باید تحصیل نمود و برای نمونه صورت امهات را روی قرعه در شکل ذیل

ترسیم می نمائیم.



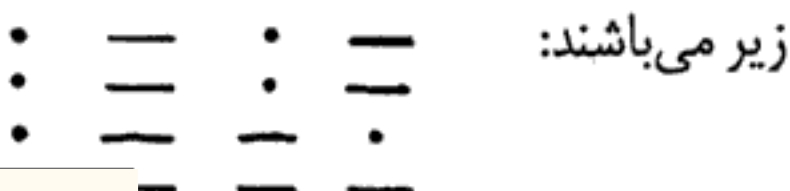
چنانچه ملاحظه می شود چهار شکل در قرعه یعنی امهات

از سمت راست به چپ عبارتند از:



کیفیت تحصیل اشکال شانزده گانه رملی

فرض می کنیم از طریق نقطه یا قرعه امهات اربعه اشکال



شکل اول از سمت راست سه زوج و یک فرد دارد و شکل دوم دو فرد و دو زوج و شکل سوم چهار زوج و شکل چهارم چهار فرد دارد.

ابتداء شکل اول را با اشکال بعدی به طوری ملاحظه می کنیم که از سطر اول شکل (☰) حاصل شود، آنرا شکل پنجم قرار می دهیم و سپس از سطر دوم شکل (☱) بدست آمده که آنرا شکل ششم می گذاریم و از سطر سوم شکل (☶) حاصل شده که آنرا شکل هفتم دانسته و از سطر چهارم شکل (☷) پیدا شده که آن شکل هشتم می باشد.

این چهارخانه اخیر را اصطلاحاً خانه های بنات نامند. بعد از تحصیل اشکال بنات آنها را مقابل امهات قرار می دهیم به این کیفیت:

☷	☶	☱	☰		☰	☱	☶	☷
---	---	---	---	--	---	---	---	---

بنات

امهات

سپس شکل اول را در شکل دوم ضرب نموده و حاصل ضربش که شکل نهم باشد را زیر آن دو قرار می دهیم و آن شکل (☱) می باشد.

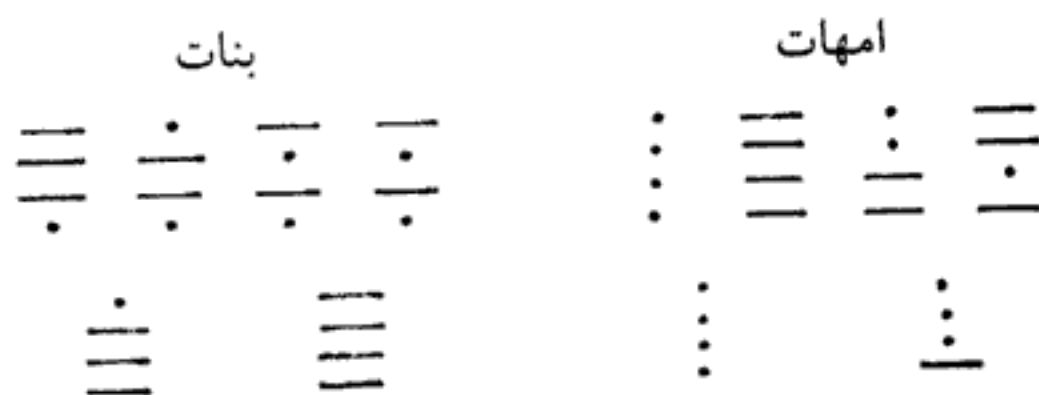
بعد شکل سوم را در شکل چهارم ضرب کرده و حاصل ضربش که شکل دهم باشد را زیر آن دو می گذاریم و آن

شکل ( ∷ ) است.

سپس شکل پنجم را در ششم ضرب نموده و حاصلضربش که شکل یازدهم باشد را زیر آن دو ترسیم می‌کنیم و آن شکل ( ≡ ) می‌باشد.

و بالاخره شکل هفتم را در شکل هشتم ضرب کرده ملاحظه می‌کنیم که حاصلضربش شکل ( ≡ ) می‌باشد آن را شکل دوازدهم قرار داده که زیر دو شکل هفتم و هشتم باید ترسیم نمود.

این چهار شکل حادث را متولدات خوانند و همان طوری که اشاره شد دو تا از آنها را زیر امهات و دوتای دیگر از آنها را زیر بنات باید قرار داد و کیفیت ترسیم این دوازده شکل به این نحو می‌باشد:



متولدات

پس از تحصیل متولدات شکل نهم را در دهم ضرب کرده و حاصلضربش که شکل سیزدهم باشد را زیر آن دو قرار می‌دهیم این شکل عبارت است از ( ≡ ).

بعد شکل یازدهم را در دوازدهم ضرب نموده و حاصل ضربش که شکل چهاردهم باشد را زیر آن دو ترسیم می‌کنیم این شکل عبارت است از (≡).

بعداً باید شکل سیزدهم را در چهاردهم ضرب نمود و حاصل ضربش که شکل پانزدهم باشد را در سطر زیر بطوری قرار می‌دهیم که در ستونی میان مضروبین قرار گیرد این شکل عبارت است از (≡).

و بالاخره شکل پانزدهم را باید در شکل اول ضرب نمود و حاصل ضربش که شکل شانزدهم باشد را زیر شکل پانزدهم قرار داد این شکل عبارت است از (≡).

و این چهار شکل اخیر را زوائد خوانند بنابراین صورت رملی این شانزده شکل باین نحوه است:

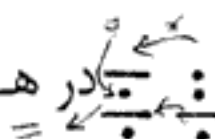


## کیفیت ضرب

نقطه فرد در علم رمل به منزله علامت نفی است در علم ریاضی چنان چه نقطه زوج به منزله علامت مثبت است لذا از ضرب نقطه فرد در فرد نقطه زوج و از زوج در زوج همان زوج و از فرد در زوج فرد حاصل می شود و با توجه به این توضیح طرز بدست آمدن حاصل ضرب شکلی در شکلی دیگر معلوم شد.

اگر خواستیم شکلی را در شکلی دیگر ضرب کنیم باید سطر اول را در سطر اول و سطر دوم را در سطر دوم و سطر سوم را در سطر سوم و بالأخره سطر چهارم را در سطر چهارم ضرب کنیم.

## مثال

اگر خواستیم دو شکل  در هم ضرب کنیم ابتداء نقطه فرد شکل اول را که در سطر اول واقع شده در نقطه زوج شکل دوم که آن نیز در سطر اول قرار گرفته ضرب می نماییم و حاصل ضرب نقطه فرد می شود که آن را در سطر اول حاصل ضرب گذارده و سپس نقطه فرد شکل اول را که در سطر دوم بوده در نقطه فرد شکل دوم که آن نیز در سطر دوم قرار گرفته ضرب کرده



و نتیجه‌اش نقطه زوج بوده که آن را در سطر دوم حاصلضرب می‌گذاریم و بعد نقطه زوج شکل اول را که در سطر سوم قرار گرفته در نقطه زوج شکل دوم که آن نیز در سطر سوم واقع است ضرب می‌کنیم و نتیجه‌اش نقطه زوج بوده که آن را در سطر سوم حاصلضرب می‌گذاریم و سپس نقطه فرد از شکل اول را که در سطر چهارم قرار گرفته در نقطه فرد شکل دوم که آن نیز در سطر چهارم می‌باشد ضرب می‌کنیم و نتیجه‌اش که نقطه زوج بوده در سطر چهارم می‌گذاریم بنابراین از ضرب دو شکل مزبور شکل (≡) پیدا می‌شود.

### اسامی اشکال رمل بر طبق دایره ابدح

ترتیب خانه‌های رملی برهم به شکل دایره است به طوری که وقتی از بیت اول شروع کردیم و به بیت شانزدهم ختم نمودیم یک دایره در این سیر حاصل می‌شود چنانچه عن قریب آن را رسم خواهیم کرد.

بدان که شانزده خانه در این فن فرض کرده‌اند که شانزده شکل هرکدام در یک خانه ساکنند و کیفیت سکون اشکال در خانه‌ها را اصطلاحاً دایره نامند.

دوایر رملی بسیار بوده که مشهورترین و معتبرترین آنها



موسوم به دایره ابدح است که عمل ما در این رساله بر طبق همین دایره می باشد.

و اما اسامی اشکال بر طبق دایره ابدح به ترتیب از خانه یک تا شانزده باین شرح است:



## فصل دوم

### منسوبات بیوت

از بیوت شانزده گانه فقط دوازده تایی آن دارای طبع و نسبت می باشند و آن دوازده بیت اول می باشند که هر کدام به ترتیب به یکی از بروج تعلق دارند و اما چهار بیت اخیر یعنی:

خانه های (۱۳)، (۱۴)، (۱۵)، (۱۶) ذاتاً و مستقلاً دارای طبع نیستند بلکه آنها را زوائد شمرده و گفته اند که این چهارخانه شواهد هستند برای اوتاد اربعه.

### تفصیل و شرح

اساتید این فن شانزده خانه را به چهار قسم تقسیم کرده اند:

۱- اوتاد و آن اقوای از همه بیوت بوده و آنها عبارتند از:

خانه های (۱)، (۴)، (۷)، (۱۰).

۲- مائل الاوتاد و آن اوسط بیوت است بحسب قوت که

عبارتند از:

خانه های (۲)، (۵)، (۸)، (۱۱).

۳- زائل الاوتاد و آن اضعف بیوت است که عبارتند از:

خانه‌های (۳)، (۶)، (۹)، (۱۲).

۴- زوائد و شواهد که همان چهارخانه اخیر می‌باشند.

و اما تعلق و نسبت دوازده بیت اول طبق آنچه مرحوم سلطان المحققین نصیرالملة والدین خواجه طوسی رحمته الله درسی فصل، فصل بیست و پنجم فرموده و به شرح زیر است:

بیت اول: منسوب است به برج حمل و آن را طالع خوانند و آن خانه جان و روح و صحت و مرض و ابتدای کارها می‌باشد.

بیت دوم: منسوب است به برج ثور و آن خانه مال و منفعت و معاش و خویشاوندان و قدوم غائب و بیع و شراء و غناء می‌باشد.

بیت سوم: منسوب است به برج جوزا و آن خانه برادران و خواهران و خویشاوندان و نقل از مکانی به مکان دیگر می‌باشد.

بیت چهارم: منسوب است به برج سرطان و آن خانه املاک و پدران و عاقبت امر سائل و دفینه‌جات می‌باشد.

بیت پنجم: منسوب است به برج اسد و آن خانه فرزندان و معشوقه‌ها و خبرها و هدایا و تحفه‌ها و شادی‌ها و قدوم غائب می‌باشد.

بیت ششم: منسوب است به برج سنبله و آن خانه امراض و بندگان و خدمتکاران و سحر و شاگردان و چارپایان کوچک می‌باشد.

بیت هفتم: منسوب است به برج میزان و آن خانه نکاح و

ازدواج و زنان و همسران و شرکاء و غایبان و دزدان و خصمان و مکانی که سائل قصد مسافرت به آن را دارد می باشد.

بیت هشتم: منسوب است به برج عقرب و آن خانه ترس و خوف و خطر و مرگ و میراث و بیت المال و زنان و غائبان و اسباب و علل مرگ و نکبت می باشد.

بیت نهم: منسوب است به برج قوس و آن خانه مسافرت های دور و علم و اعتقاد و دین و خواب ها و تعبیر آنها می باشد.

بیت دهم: منسوب است به برج جدی و آن خانه عزت و جلال و شغل و کارهای دیوانی و دولتی و سعادت و مادران و حکام می باشد.  
بیت یازدهم: منسوب است به برج دلو و آن خانه امید و دوستان حقیقی و واقعی و رفع هم و غم و حصول مقاصد و ندیمان سلاطین می باشد.

بیت دوازدهم: منسوب است به برج حوت و آن خانه دشمنان و بدبختی و زندان و قید و زنجیر و چهارپایان بزرگ می باشد.  
بیت سیزدهم: خانه طالب و بر خانه اول شاهد است.

بیت چهاردهم: خانه مطلوب و حاصل شدن و حاصل نشدن آن بوده و بر خانه چهارم شاهد می باشد.

بیت پانزدهم: خانه میزان و بنام قاضی الرمل موسوم بوده و بر خانه هفتم شاهد است.

بیت شانزدهم: خانه عاقبت بوده و بر خانه دهم شاهد است.

## تنبيه و تذکر

لازم و واجب است رمال در بیوت شانزده گانه نگریسته و ملاحظه کند که در آنها چه شکلی قرار گرفته:

اگر اشکال سعد واقع شده باشد حکم به سعادت کند و در صورتی که اشکال نحس آمده باشند حکم به نحوست کرده و در صورتی که اشکال متوسط و خنثی واقع شده باشند حکم به توسط و میانه حال بودن نماید.

مثلاً اگر در خانه تزویج و نکاح شکل سعد آمده باشد رمال باید حکم کند که این ازدواج بسیار خوب و مناسب است چنانچه اگر شکل نحس قرار گرفته باشد باید به نحوست آن حکم کرده و بفرض آمدن شکل خنثی در آن باید بگوید این تزویج عادی و معمولی بوده نه خیر چندانی در آن بوده و نه شرّ و ضرری بدنبالش می باشد.

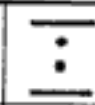
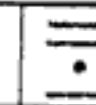
و نیز لازم است که رمال نیک ملاحظه نماید که در خانه‌ها آیا اشکال داخل بوده یا خارج و یا منقلب قرار گرفته مثلاً اگر در خانه مربوط به سرقت شکل داخل قرار گرفته باشد باید حکم کند به اینکه سارق مال را خرج نکرده و در صورتی که شکل خارج آمده باشد باید بگوید که تمام اموال مسروقه تلف و خرج شده و اگر

شکل منقلب واقع شده باشد لازم است بگوید مبلغی از آن خرج شده و مقداری باقی مانده است.

## فصل سوم تقسیم اشکال

اشکال شانزده گانه را به چهار قسم تقسیم نموده اند:

- ۱- اشکال ثابت: و آن هر شکلی است که دو طرف آن یعنی سطر اول و چهارم نقطه زوج باشد.
- ۲- اشکال منقلب: و آن هر شکلی است که دو طرف آن نقطه فرد باشد.
- ۳- اشکال داخل: و آن شکلی است که سطر اولش نقطه زوج و چهارمش نقطه فرد باشد.
- ۴- اشکال خارج: و آن عکس اشکال داخل می باشند و برای توضیح، جدول زیر را رسم می کنیم:

				اشکال ثابت
				اشکال منقلبه
				اشکال داخله
				اشکال خارجه

## فصل چهارم منسوبات اشکال

اجسام	جهات	ایام و لیالی	بروج	کواکب	مذکر و مؤنث	سعد و نحس	العناصر	اشکال
معدنی	شرقی	پنجشنبه	قوس	مشتری	مذکر	سعد	ناری	
حیوانی	غربی	سه شنبه	حمل	مزجیح	مذکر	نحس	هوایی	
معدنی	شرقی	یکشنبه	اسد	شمس	مذکر	سعد	ناری	
نباتی	شمالی	دوشنبه	سرطان	قمر	مؤنث	سعد	آبی	
معدنی	شرقی	سه شنبه	دلو	رأس	مذکر	نحس	ناری	
حیوانی	غربی	چهارشنبه	جوزاء	عطارد	خنثی	ممتزج	هوایی	
معدنی	شرقی	سه شنبه	جدی	ذنب	مذکر	نحس	ناری	
کانی	جنوبی	شنبه	جدی	زحل	مؤنث	نحس	خاکی	
کانی	جنوبی	شب شنبه	دلو	زحل	مذکر	نحس	خاکی	
کانی	جنوبی	یکشنبه	اسد	شمس	مؤنث	سعد	خاکی	
حیوانی	غربی	جمعه	میزان	زهره	مذکر	سعد	هوایی	
نباتی	شمالی	پنجشنبه	حوت	مشتری	مؤنث	سعد	آبی	
نباتی	شمالی	سه شنبه	عقرب	مزجیح	مؤنث	نحس	آبی	
حیوانی	غربی	جمعه	ثور	زهره	مؤنث	سعد	هوایی	
نباتی	شمالی	دوشنبه	سرطان	قمر	مؤنث	سعد	آبی	
کانی	جنوبی	چهارشنبه	سنبله	عطارد	مؤنث	ممتزج	خاکی	



## منسوبات اشکال

طعم	علة بیماری	ازمنه	حروف	فصول	اشکال	اعضاء	الوان	اشکال
شیرین	صفراء	حال	اف	پائیز	دائره	سر	سفید	
تلخ	بلغم	مستقبل	ب ص	پائیز	طویل	ران و کفل	سرخ	
شیرین	بلغم	حال	ل ع	تابستان	طویل	ساق یا ران	زرد	
شور	صفراء	ماضی	ج ق	بهار	دائره	ران یا کفل	سفید	
تلخ	صفرا بلغم	ماضی	هش	زمستان	مثلث	بازو	خاکستری	
شیرین	بلغم خون	ماضی	و ت	تابستان	مجاوف	معدده	کیودی	
تند	صفرا خون	ماضی	ز ث	زمستان	طویل	ذکر	خاکی	
توش	از خون	حال	ح خ	زمستان	طویل	ناف	زرد	
توش تند	درد پهلو	ماضی	ط ز	زمستان	دائره مجاوف	شکم	سیاه	
شیرین	سوداء	مستقبل	ی ض	بهار	مربع	گردن	زرد	
شیرین	صفرا سوداء	مستقبل	ک ظ	پائیز	دائره	قلب یا سینه	گندمی	
شیرین	صفرا خون	مستقبل	ل ع	تابستان	دائره	زانو یا قلب	سفید	
تلخ تند	بلغم	حال	م	پائیز	دائره	ساق	کیود	
شیرین	سودا خون	مستقبل	ن	پائیز	مربع	فرج یا ران	سفید	
شور	سوداء	حال	س	تابستان	طویل	پای راست	سفید مایل به سبز	
گونگون	سوداء	حال	ع	بهار	مجاوف	سینه یا پشت	بنفش	



## بقیہ منسوبات اشکال

مواضع	حوادث	سنگین و سبک	مواج	روزی و شبی	جوان و پیر	باز و بسته	اصناف	اشکال
مساجد	امنیت	سبک	گرم و خشک	روزی	جوان	باز	علماء	☰
معابد یہود	قتال	سبک	گرم و رطوبی	روزی	جوان	بسته	قضاب	☷
قصر	جور و ظلم	سبک	گرم و خشک	شبّی	پیر	باز	ملوک	☰
شاهراہ	طفیان آب	سنگین	سرد و مرطوبی	شبّی	جوان	بسته	زہاد	☷
سنگستان	وباء و مرض	سبک	گرم و خشک	روزی	جوان	باز	وزراء	☰
مکتب و مدرسہ	وقوع اراجیف	سبک	گرم و مرطوب	ہیچکدام	پیر	بسته	اہل علم	☷
محل فتنہ	وباء و شدہ	سبک	گرم و خشک	شبّی	جوان	باز	وزراء	☰
کنیہ یہود	زلزلہ	سنگین	سرد و خشک	شبّی	پیر	بسته	دہقانان	☷
اصطبل	آفت و مرض	سنگین	سرد و خشک	روزی	پیر	بسته	دہقانان	☷
بازار	فراوانی نعمت	سنگین	سرد و خشک	شبّی	جوان	بسته	امراء و بزرگان	☷
محل عیش	فسق و ظلم	سبک	گرم و مرطوب	روزی	صبی	بسته	مطربان	☰
محل علماء	امنیت	سنگین	سرد و رطوبی	روزی	پیر	بسته	علماء و قضاة	☷
محل خواب	خوف و هراس	سنگین	سرد و رطوبی	روزی	جوان	بسته	آہنگران	☷
محل عیش	نعمت امن و فراوانی	سبک	گرم و رطوبی	شبّی	جوان	بسته	عباد	☰
شاهراہ	توس	سنگین	سرد و رطوبی	شبّی	جوان	باز	پیک و ایچی	☰
صحراء	خونریزی	سنگین	سرد و خشک	ہیچکدام	پیر	بسته	منجستان	☷

## فصل پنجم

### تقسیم رمل

بدان که نزد ارباب این فن رمل بر دو قسم است:

۱- رمل اشکالی.

۲- رمل سیر نقطه.

منظور از رمل اشکالی عبارتست از قواعد جزئیهای که استادان این فن روی اصولی آنها وضع کرده و در کتب رملی نوشته‌اند که ما ان شاء الله به برخی از آنها در آتیه اشاره می‌کنیم.

در این قسم از رمل بوسیله وقوع هر یک از اشکال در هر کدام از بیوت، ضمیر اشخاص را با حکم آن استخراج میکنند و چون علت اصلی برای کشف ضمیر و حکم تسکین اشکال در بیوت است بآن رمل اشکالی گویند.

ناگفته نماند که قواعد این قسم جزئی بوده و مصون از خطاء

نیست عصمنا الله من الخطاء والزلل.

مثلاً بعد از تحصیل امهات و تکسیر آن و حصول بنات و

متولدات و شواهد بر طبق قواعد این قسم بملاحظه سکون

اشکال در بیوت حکم می‌کنیم.

چنانچه اگر لحيان ( ≡ ) در بیت اول باشد میگوئیم این

□ / کفایة الرمل /

علامت سعادت و سلامت سائل بوده و طالعش دلالت دارد که به مقاصد خود خواهد رسید و نیز می‌رساند که وی دارای طبعی گرم و خشک است و به همین قیاس.

و مراد از رمل سیر نقطه اعمال قاعده کلی است که بواسطه آن ضمیر و حکم آنرا استخراج میکنند بدون اینکه اختصاص به سؤال خاصی داشته باشد بلکه هر سؤالی را می‌توان بین نفی و اثبات طرح کرد و جواب آنرا از این طریق تحصیل کرد چنانچه ان‌شاء... تعالی شرح آن بیاید و این نحو از اسرار این علم است.

## فصل ششم

### در انتساب نقاط بعناصر

بدان که عناصر موجود در زمین به عقیده قدماء چهار تا بوده به این شرح:

آتش، هوا، آب، خاک.

عنصر آتش را فوق و عنصر اول دانند.

و دوم را عنصر هوا و سوم را عنصر آب و چهارم را عنصر خاک قرار داده‌اند.

با توجه باین مقدمه علماء و استادان این فن نیز چهار نقطه باین شکل ( ⋮ ) قرار داده و نقطه اول را از جهت فوق آتشی و

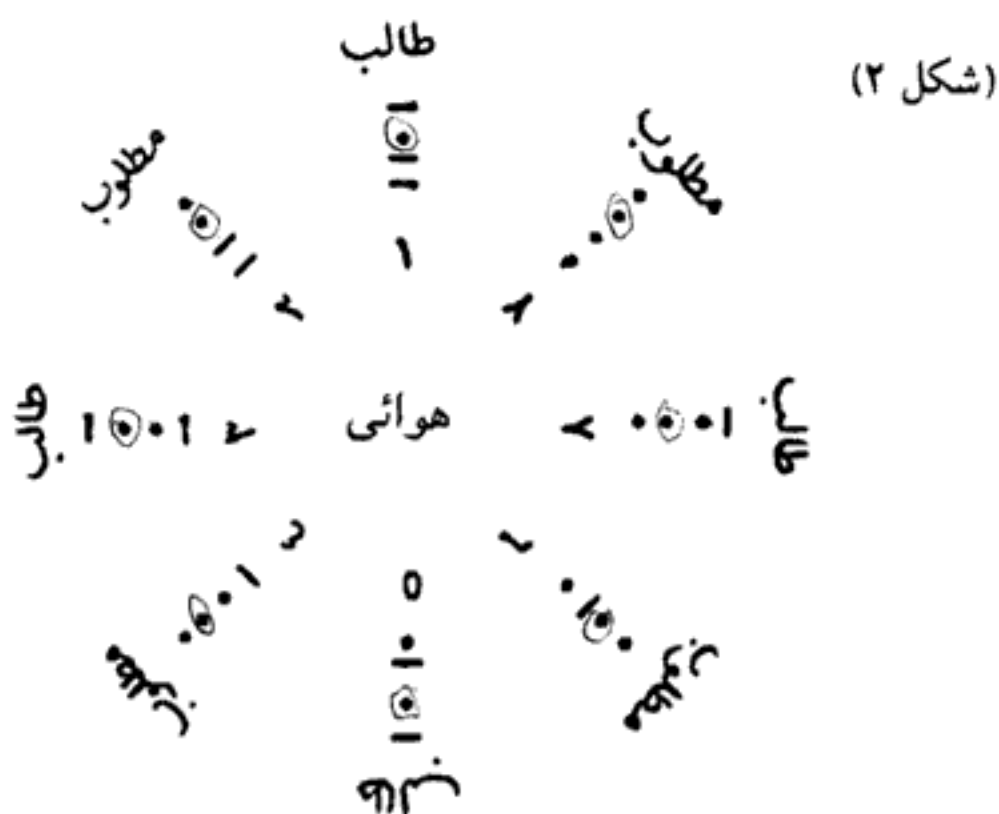
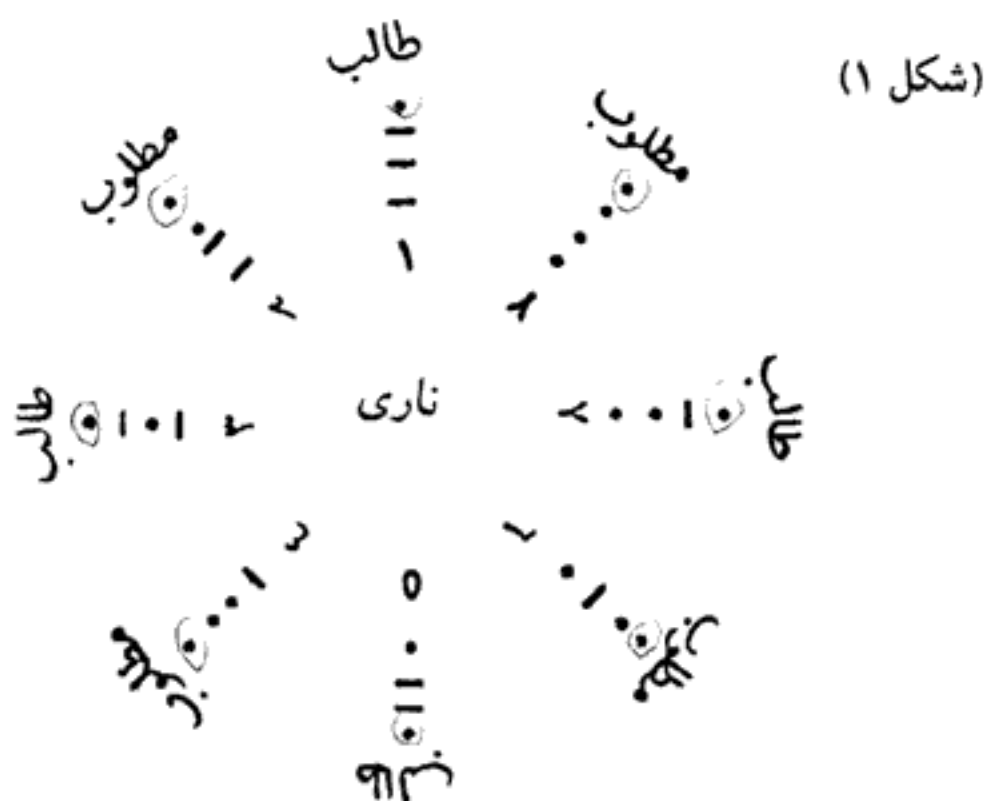
دوم را هوایی و سوم را آبی و چهارم را خاکی گفته‌اند لذا بعضی از اشکال هر چهار نقطه را دارا هستند مانند طریق ( ⋮ ) و بعضی هیچکدام را ندارند مانند جماعت ( ≡ ) و بعضی فقط نقطه آتش را دارند مانند لحيان ( ≡ ) و بعضی فقط نقطه هوا را دارند مانند حُمَره ( ⋮ ) و بعضی فقط نقطه آب را دارند مانند بیاض ( ⋮ ) و بعضی فقط نقطه خاک را دارا هستند مانند انکیس ( ≡ ) و بعضی فقط نقطه آتش و هوا را دارند مانند نصرۃالخارج ( ⋮ ) و بعضی آتش و آب را مانند قبض الخارج ( ⋮ ) و بعضی آتش و خاک را مانند عُقله ( ⋮ ) و بعضی هوا و آب را مانند اجتماع ( ⋮ ) و بعضی هوا و خاک را مانند قبض الداخل ( ⋮ ) و بعضی آب و خاک را مانند نصرۃالداخل ( ⋮ ) و بعضی آتش و هوا و آب را مانند عتبهالخارج ( ⋮ ) و بعضی هوا و آب و خاک را دارا هستند مانند عتبهالداخل ( ⋮ ) و دانستن این فصل از جمله ضروریات است و در اخذ طالب و مطلوب که از اساس رمل سیر نقطه است دخالت بسزائی دارد چنانچه ان شاء... تعالی عنقریب ذکر آن بیاید.

## فصل هفتم

### در انتساب بیوت بعناصر

یکی دیگر از اموری که در استخراج حکم داخل و دانستن

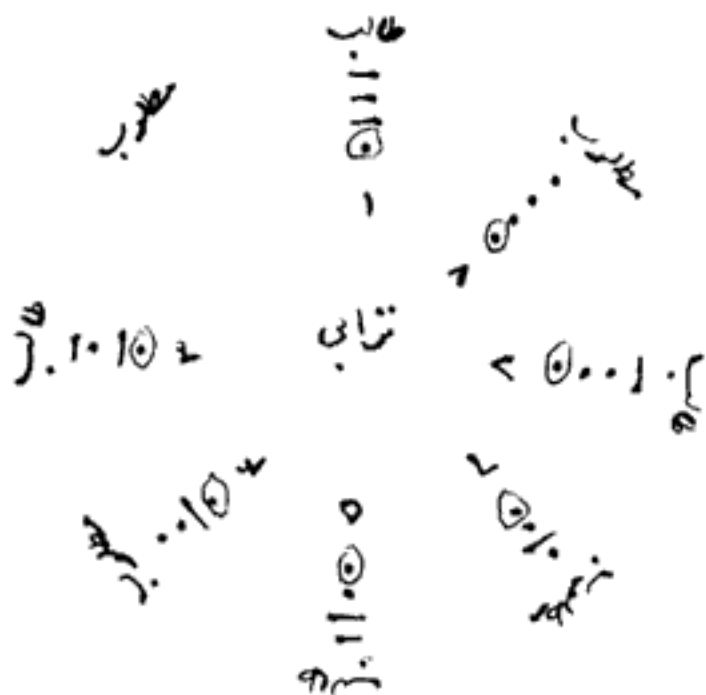
بدان که طالب و مطلوب هر کدام از نقاط عنصری اشکال هشت است که در دوایر مرسومه ملاحظه می شود از هر کدام چهار طالب است و چهار شکل مطلوب:



(شكل ٣)



(شكل ٤)



## فصل نهم طبیعت بیوت

سابقاً در فصل دوّم گفتیم که بیوت شانزده گانه را بر چهار  
قسم تقسیم نموده‌اند:

اوتاد، مائل الاوتاد، زائل الاوتاد و شواهد.

و نیز گفته شد که اقوای بیوت اوتاد هستند و اوسط آنها  
مائل الاوتاد بوده و اضعف از همه زائل الاوتاد بوده که به آنها  
شواهد نیز می‌گویند و دارای طبع نیستند.

و نیز در فصل هفتم ذکر شد که بیوت را از نظر انتساب  
بعناصر اربعه چهار قسم نموده‌اند:

آتشی، هوایی، آبی، خاکی.

حال می‌گوئیم که هر کدام از بیوت عنصری بر چهار قسم  
نیز می‌باشند:

۱- وتد آتش: و آن بیت اوّل است.

۲- مائل آتش: و آن بیت پنجم است.

۳- زائل آتش: و آن بیت نهم است.

۴- وتد الوتد آتش: و آن بیت سیزدهم است و گواه و

شاهد اوّل است.

و بیت عنصر هوا نیز بر چهار قسم است:

۱- وتد هوا: و آن خانه دوّم است.

۲- مائل هوا: و آن خانه ششم است.

۳- زائل هوا: و آن خانه دهم است.

۴- وتدالوتد هوا: و آن خانه چهاردهم است و گواه و شاهد

دوّم است.

و بیت عنصر آب نیز بر چهار قسم است:

۱- وتد آب: و آن خانه سوّم است.

۲- مائل آب: و آن خانه هفتم است.

۳- زائل آب: و آن خانه یازدهم است.

۴- وتدالوتد آب: و آنخانه پانزدهم است و گواه و شاهد سوّم

است.

و بیت عنصر خاک نیز بر چهار قسم است:

۱- وتد خاک: و آن خانه چهارم است.

۲- مائل خاک: و آن خانه هشتم است.

۳- زائل خاک: و آن خانه دوازدهم است.

۴- وتدالوتد خاک: و آنخانه شانزدهم است و گواه و شاهد

چهارم است.

و این فصل در تحصیل و استخراج مطلوب از نظر اعداد

حسابی دخیل و نافع است زیرا مطلوب هر کدام از نقاط (آتشی،



هوایی، آبی، خاکی) اگر در وتد آنها باشد حکم باحد (از یک تا نه) کنند و اگر در مائل آنها باشد حکم بعشرات نمایند و اگر در زائل آنها باشد حکم بمآت کنند و اگر در وتد الوتد آنها باشد حکم بالوف نمایند.

مثلاً خواستیم بدانیم مسافرمان در چه مدت از سفر برمیگردد. نقطه دوم قاضی الزمل را سیر دادیم بخانه سوّم منتهی شد و در آن شکل قبض الداخل واقع بود مطلوب نقطه هوایی آنرا که شکل فرح باشد تفحص کردیم در خانه دهم یافتیم که بیت زائل هوا باشد که آن عددش مات باشد، گوئیم زودتر از صد روز نیاید. و اگر از طریق رمل اشکالی بخواهیم استخراج کنیم نگاه می‌کنیم بخانه پنجم که مربوط بقدوم غایب است و شکل ساکن در آنرا ملاحظه می‌کنیم که چه شکلی است مثلاً لحيان بود مطلوب نقطه آتشی آن نصره الخارج است لذا نگاه می‌کنیم که در چه خانه‌ای ساکنست مثلاً در رملی که کشیده‌ایم در خانه اول یافتیم پس می‌گوئیم این مسافر قبل از ده روز خواهد آمد.

## فصل دهم

### در بیان نظرات نجومی و رملی

بدان که نظرات کواکب در علم نجوم پنج است که در علم

رمل نیز عیناً مورد استفاده واقع می‌شوند و شرح آن بقرار ذیل است:

**اول:** نظر مقارنه و آن در علم نجوم عبارتست از اجتماع دو کوکب یا بیشتر در برج واحد و در درجه واحده و دقیقه واحده و ثانیه واحده.

و در علم رمل عبارتست از آنکه بین خانه طالب و خانه مطلوب در رملی که کشیده‌ایم فاصله‌ای نباشد مثلاً اگر طالب خانه اول باشد مطلوب در خانه دوم قرار گرفته باشد.

**دوم:** نظر تسدیس و آن در علم نجوم عبارت است از آنکه بین دو کوکب از جانب اقرب سدس دایره یعنی (۶۰) درجه فاصله باشد و در علم رمل آنست که بین خانه طالب و خانه مطلوب از جانب اقرب یک خانه فاصله باشد مثلاً اگر طالب در خانه سوم باشد مطلوب در خانه پنجم ساکن باشد.

**سوم:** نظر تربیع و آن در علم نجوم عبارتست از آنکه بین دو کوکب از جانب اقرب ربع دایره فاصله باشد یعنی (۹۰) درجه و در علم رمل آنست که بین خانه طالب و مطلوب از جانب اقرب دو خانه فاصله باشد مثلاً اگر طالب در خانه چهارم باشد مطلوب در خانه هفتم باشد.

**چهارم:** نظر تثلیث و آن در علم نجوم عبارتست از آنکه بین دو کوکب ثلث دایره یعنی (۱۲۰) درجه از جانب اقرب فاصله

شود و در علم رمل آنست که بین خانه طالب و مطلوب از جانب اقرب سه خانه فاصله باشد مثل اینکه اگر طالب در خانه پنجم بود مطلوب در خانه نهم باشد.

**پنجم: نظر مقابله** و آن در علم نجوم عبارتست از آنکه بین دو کوکب از جانب اقرب، نصف دایره یعنی (۱۸۰) درجه فاصله شود و در علم رمل آنست که بین خانه طالب و خانه مطلوب از جانب اقرب پنج خانه فاصله باشد.

مثلاً اگر طالب در خانه ششم باشد مطلوب در خانه دوازدهم باشد.

و هرکدام از این نظرات، خواصی دارند که ذکر می‌شوند.

## خواص نظرات

**نظر مقارنه:** بادوست، دوست و بادشمن، دشمن است یعنی اگر قرعه رمل طالب و مطلوب را بنظر مقارنه نشان داد، نه اثبات شیء راجح است و نه نفی آن زیرا منظور از دوست در این اصطلاح اثبات شیء و از دشمن نفی آنست.

**نظر تسدیس:** نیم دوست است یعنی طرف اثبات آن راجح است ولی بطور جزم حکم نمیتوان کرد.

**نظر تریع:** نیم دشمن است یعنی طرف نفی آن راجح است

ولی بطور جزم نمیتوان حکم بنفی کرد.

نظر تثلیث: تمام دوستی است یعنی بطور جزم باید حکم باثبات کرد.

نظر مقابله: تمام دشمنی است یعنی بطور جزم باید حکم بنفی کرد.

مخفی نباشد که در استخراج حکم از طریق سیر نقطه حفظ مندرجات این فصل از جمله ضروریات می باشد.

## فصل یازدهم

### در مبحث سیر نقطه

از ابحاث بسیار مهم و قابل توجه در این علم مبحث سیر نقطه می باشد، بلکه می توان گفت تمام ابحاث ماضیه نسبت به این بحث بمنزله مقدمه است و این بحث اساس دیگر ابحاث می باشد.

و مجمل کلام در این مضمار اینست که بعد از علم بترتیب خانه ها و احراز طالب و مطلوب از هر کدام طبق عناصر اربعه و تحصیل احوال بروج دوازده گانه و فراگرفتن منسوبات بیوت و اشکال و دانستن نظرات نجومی و رملی برای بدست آوردن مطلوب و مقصود اگر سائلی در خواست و سؤالی داشت در اینجا

محتاج بدو عمل هستیم، یکی برای تحصیل ضمیر که سائل  
سؤالش چیست.

دوم برای تحصیل مطلوب که آیا جواب مطلوب وی  
چیست.

و حاصل آنکه، ضمیر و حکم آن را از طریق سیر نقطه  
بدست میآورند.

### کیفیت سیر نقطه

ابتداء شانزده سطر نقطه می ریزیم بطوری که قبلاً ذکر شد.  
بعد اشکال اربعه را که امهات باشند تحصیل نموده و سپس  
بنات و متولدات و زوائد را بدست می آوریم، آنگاه بشکل پانزدهم  
یعنی قاضی الزمل نگاه میکنیم اگر دو نقطه فرد داشت بهمین  
قرعه اکتفاء کرده و عمل را تمام می کنیم و در غیر اینصورت چه  
اصلاً در این خانه شکل ساکن نقطه فرد نداشته باشد مثل اینکه  
جماعت (≡) باشد یا یک نقطه فرد در آن باشد چون لحيان  
(≡) و انکیس (≡) قرعه را بهم میزنیم و از نو نقطه  
می ریزیم تا در خانه قاضی الزمل شکلی واقع شود که واجد دو  
نقطه فرد باشد، نقطه اول آن مربوط بضمیر و دومی راجع بحکم  
آنست، آنگاه نگاه می کنیم که نقطه ها در مرتبه چه عنصری  
هستند مثلاً اگر نقطه اول آبی و دوم، خاک، بود بمعنی قاضی

الرّمل شکل نصره الداخل (  $\overline{\text{ـ}}$  ) بود.

برای استخراج ضمیر باید نقطه اول را باین ترتیب سیر

دهیم:

ابتدا بخانه سیزده و چهارده که در فوق قاضی الرّمل واقعند نگاه می‌کنیم که کدام دارای نقطه آب هستند اگر سیزده واجد آن نقطه بود باید سیر را از طرف آن خانه که جانب راست رمل باشد ادامه داد و الا از طرف خانه چهاردهم که جانب چپ رمل هست سیر می‌دهیم و بهر تقدیر از سیزده یا چهارده که گذشتیم طرف منظور را ملاحظه کرده شکلی که در آن طرف نقطه آب داشته باشد را در نظر می‌گیریم، یا این شکل در طرف راست بین خانه نه و ده است (اگر سیر از طرف سیزده باشد) یا در طرف چپ بین خانه یازده و دوازده است (اگر سیر از طرف چهارده باشد) در صورت اول سیر منتهی می‌شود به خانه‌های امهات و در صورت دوم بخانه‌های بنات، به این ترتیب که اگر از سیزده به نه سیر کردیم منتهای سیر در خانه امهات (خانه اول یا دوم) خواهد بود و اگر به ده سیر کردیم، منتهای سیر در خانه امهات (خانه سوم یا چهارم) می‌باشد.

و اگر از چهارده به یازده سیر کردیم منتهای سیر در خانه بنات (خانه پنجم یا ششم) خواهد بود و اگر به دوازده سیر کردیم منتهای سیر در خانه بنات (خانه هفتم یا هشتم) می‌باشد.



بعد که سیر منتهی شد بخانه‌ای از خانه امهات یا بنات نگاه می‌کنیم به بیت منتهی الیه السیر که چه شکلی در آن ساکن است، بعد مطلوب آن شکل را در رمل پیدا کرده ملاحظه می‌کنیم که آن در چه خانه‌ای ساکنست که سؤال از همان خانه می‌باشد.

مثلاً در مثال مذکور بیت منتهی الیه السیر بیت سوّم بود و شکل ساکن در آن اجتماع (☰) بود و مطلوب آبی این شکل عتبه‌الخارج (☶) است که در رمل مثلاً اگر در خانه پنجم واقع بود می‌گوئیم:

این خانه منسوب است به برج اسد و آن خانه فرزندان و شادیه‌ها و قدوم غائب و هدیه‌ها و معشوقه‌ها است.

در اینجا رمال باید بفرستد دریابد و هرکدام از این امور که انطباق بسؤال سائل است را از آن معین کرده و بسائل بگوید سؤال از فلانست.

## فصل دوازدهم

### در استخراج حکم ضمیر

برای استخراج حکم و در حقیقت جواب سائل ابتداء باید نقطه دوّم را به کیفیتی که در استخراج ضمیر گفتیم سیر داد با این فرق که نقطه ضمیر، عنصرش غیر عنصر نقطه حکم است مثلاً در مثال قبل عنصر نقطه ضمیر، آب بود فلذا در موقع سیر از روی

خانه‌هایی که اشکال مشتمل بر نقطه آب در آن‌ها ساکن بودند حرکت می‌کردیم و در همان مثال نقطه حکم، عنصرش خاک است لذا باید از روی خانه‌هایی سیر کرد که شکل واجد نقطه خاک ساکن در آنها باشد.

لذا چه بسا سیر نقطه ضمیر با سیر نقطه حکم از جهت مسیر حرکت متغایر باشد.

و بعد از انتهاء سیر، شکل ساکن در خانه منتهی الیه السیر را طالب فرض کرده مطلوب عنصری آنرا پیدا میکنیم و آنرا نشان می‌گذاریم و سپس برای حکم از اموری چند استفاده می‌کنیم که عملاً در مثال ذیل ذکر می‌شود.

## تمرین

شخصی بجهت مهمی خواستار شد که برای او رمل زده شود لذا در ساعت سعد با طهارت در مکان طاهر رو به قبله نشستیم، با کمال توجه ادعیه موقع رمل را خواندیم و شانزده سطر بشکل صفحه بعد نقطه ریختیم.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

سپس آنها را بهم وصل کردیم چهار شکل باین ترتیب

(  $\frac{\cdot}{\cdot}$  )، (  $\frac{\cdot}{\cdot}$  )، (  $\frac{\cdot}{\cdot}$  )، (  $\frac{\cdot}{\cdot}$  ) حاصل شد که امهات باشند و بعد از

تکسیر صورت رهل بشکل زیر درآمد.

$\frac{\cdot}{\cdot}$     $\frac{\cdot}{\cdot}$     $\frac{\cdot}{\cdot}$     $\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$     $\frac{\cdot}{\cdot}$     $\frac{\cdot}{\cdot}$     $\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

$\frac{\cdot}{\cdot}$

سپس برای استخراج ضمیر و اینکه سؤال سائل چه می باشد نقطه اول (قاضی الزمل) را که نقطه آتشی است از روی بیوت چهاردهم و دوازدهم که شکل واجد نقطه آتش هستند سیر داده تا بخانه هشتم منتهی شدیم، در آن شکل لحيان واقع بود، مطلوب آتشی آن نصرۃ الخارج است که در اینجا در خانه پنجم واقع شده، پس معلوم می شود سائل سؤالش از معشوق یا غائبی است. سپس برای استخراج حکم نقطه دوم میزان را که در مرتبه عنصر آب هست از روی بیوتی که شکل واجد این نقطه در آن ساکن هست سیر داده تا بخانه هفتم منتهی شدیم و در آن شکل اجتماع واقع بود بعد مطلوب آبی آنرا که عتبه الخارج است در خانه دوازدهم یافتیم در اینجا برای استخراج حکم از امور ذیل استفاده می کنیم:

۱ - نظرات و در اینجا نظر ندارد چون بین خانه طالب و مطلوب چهار خانه فاصله شده و آن با هیچ کدام از نظرات سازگار نیست پس از این جهت باب حکم مسدود است.

۲ - سُکن و منظور این است که شکل مطلوب را ملاحظه می کنیم آیا در مرکز خود ساکن هست یا نه مثلاً اگر ناری بود آیا در بیوت ناری (۱، ۵، ۹، ۱۳) واقع شده یا در غیر آن پس اگر در یک کدام از این بیوت ساکن بود باید حکم باثبات نمود خصوصاً اگر در بیت اوتاد یا مائل ساکن باشد و اگر در خانه ضد مانند آب ساکن

بود باید حکم بنفی کرد و در صورتی که در بیت مناسب بود مانند هوا یا خاک باید حکم برجحان نمود و همچنین است در سایر نقاط عنصری.

و چون در رمل مذکور شکل مطلوب آتشی است و در خانه خاک واقع شده و آتش با خاک مناسب است حکم برجحان می‌کنیم.

۳ - امتزاج و آن این است که شکل مطلوب را در صاحب بیت ضرب می‌کنیم و از شکل حاصل حکم می‌کنیم، لذا در مثال، مطلوب را در صاحب خانه دوازدهم که نصره‌الداخل باشد ضرب کرده، شکل فرح از این ضرب حاصل شد و چون این شکل بادی و منقلب است نتیجه مناسب و خوبی ندارد.

پس بین حکم از طریق دوّم و سوّم تعارض واقع شد در اینجا باید بر طبق اقوی و ارجح الحکمین حکم نمود و رجحان در اینجا با حکم بنفی است که از طریق امتزاج عاید شد.

زیرا شکل آتشی با بیت خاک موقعی انصب و توافق قابل توجهی دارد که یا در وتد خاک ساکن باشد و یا مائل ولی در اینجا سکونش در زائل خاک است که اضعف بیوت می‌باشد و در صورتی که معارضی نداشتیم البتّه حکم برجحان اندکی می‌کردیم ولی در صورت ابتلاء بمعارض اقوی که هیچ نکته ضعیفی در آن نیست مضمحل بوده و جانب معارض مقدّم و اولی است لذا بسائل

چنین می‌گوئیم:

اگر منظور و مقصودت وصال معشوق و ازدواج با او است در این وصلت خیری نبوده بلکه بالاخره منجر به تیره‌گی و شقاق می‌شود.

و اگر سؤال از آمدن مسافر است که فعلاً نمی‌آید؛ و در صورتی که از کیفیت آمدنش سؤال داری پس چه بسا در قدوم وی انقلاب و فتنه خیزد.

## فصل سیزدهم

### در استخراج ضمیر بطریق رمل اشکالی

طرقی را ذکر کرده‌اند که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:  
 اوّل: ابتدا نقطه‌های رمل را از خانه اوّل تا خانه پانزدهم می‌شمریم و بعد مجموع را از عدد صد و بیست که عددیست مساوی با مجموع نقاط زوج از طالع تا میزان کسر کرده، بعد از باقی دوازده دوازده طرح می‌کنیم، سپس نقطه باقی را می‌شمریم، اگر یکی بود سؤال از خانه اول است، اگر دو تا بود از بیت دوّم و همچنین تا خانه دوازدهم.

دوّم: نقطه‌های رمل را از طالع تا میزان شمرده سپس از مجموع دوازده دوازده طرح می‌نمائیم و حاصل را بر سوت تقسیم

نموده، بهر کجا منتهی شد سؤال از آن بیت است.

**سوم:** نقطه‌های آتشی و خاکی اشکال را از طالع تا آخرین بیوت که خانه شانزدهم باشد جمع می‌کنیم، بعد مجموع را بین خانه‌ها تقسیم می‌کنیم و بهر خانه یک نقطه می‌دهیم تا تمام شود پس بهر خانه‌ای که نقطه‌ها تمام شدند، همان خانه، خانه ضمیر است.

**چهارم:** در هر خانه‌ای که شکل اول تکرار شده باشد همان خانه ضمیر است.

**پنجم:** بخانه طالع نگاه می‌کنیم اگر شکل اول خارجی بود سؤال از حرکت و طلب گمشده و نظیر این دو است و اگر داخلی بود سؤال از امر بسیار دوری است و اگر ثابت بود دلالت دارد که سائل متحیر و سرگردان است، و اگر منقلب بود دلالت دارد که سائل در اختیار بین دو امر مردّد است.

## فصل چهاردهم در استخراج طالع

بدان که خانه اول خانه طالع است یعنی از این خانه طالع اشخاص را استخراج می‌کنند و طریق آن چنین است:  
ابتداء شکل ساکن در این خانه را ملاحظه کرده که چه

شکلی است سپس منسوبات آن را دیده و به کمک آنها طالع شخص منظور را استخراج می‌کنیم.

مثلاً به جهت دانستن طالع زید در رمل نگریم در خانه اول نصره‌الخارج بود لذا طالع زید را چنین گفتیم:

وی شخصی است بلند قامت که چهره‌ای زرد رنگ دارد و در سن پیری می‌باشد.

در صنف ملوک و سلاطین است.

مکان وی در قصر و کاخ است.

مزاج وی گرم و طبیعی خشک دارد.

کسالت وی از جهت طغیان بلغم است.

از نظر اخلاق، شخصی است کریم و با الفت و مهربان و در عین حال با تکبر و عجب.

و اگر بخواهیم طالع کارها و پست‌ها و حوادث را بدانیم خانه عمل و امر منظور را ملاحظه می‌کنیم که چه شکلی در آن ساکن است بعد بواسطه منسوبات آن شکل طالع آن چیز منظور را استخراج می‌کنیم مثلاً طالع عمل سلطان را خواستیم بدانیم لذا باین منظور رملی زدیم و بخانه دهم نظر انداختیم زیرا این خانه مربوط به عمل سلطان است مثلاً در آن شکل فرح بود در اینجا این طور می‌گوئیم:

خانه دهم هوا است و شکل فرح نیز شکل هوایی است



پس این یک تأیید است بر ثبات سلطنت وی و چون کوکب منسوب باین شکل، زهره است و آن منسوب به اهل طرب و عشرت و غلامان و ظرفاء می باشد می توان گفت در این سلطنت فسق و فجور واقع می شود.

و اگر عاقبت آنرا بخواهیم بدانیم چون بیت مربوط باین امر بیت چهارم است باید بیت طالع را ده فرض کرده و بخانه سیزده نگاه کنیم مثلاً اگر در آن شکل نقی الخدّ واقع بود چون این شکل از اشکال منقلبه و نحس می باشد می توان گفت در اواخر حکومت شورش و طغیانی از ناحیه لشگریان و ارتشیان واقع می شود زیرا این شکل منسوب به مزّیخ است که آن ستاره صنف مذکور می باشد.

و به همین ترتیب مطلوبات و مقاصد را بوسیله بیوت استخراج می کنیم.

## خاتمه

### در بیان قواعد جزئیه رمل اشکالی

۱ - قدم غایب: اگر شکل اول زوج و دوم شکل داخلی باشد غایب حتماً می آید.

و نیز چنانچه در خانه سیزدهم شکل انکیس باشد و در هفتم شکل خارجی می توان گفت غایب در سؤال می آید و

چنانچه در همین صورت شواهد اگر اشکال سعد و داخلی باشند  
غائب در ساعت سؤال خواهد آمد.

۲ - استخراج دفینه: از جوکی چنین شنیدم که می گفت قرعه  
را وقتی ریختیم بجانب سطح قرعه ها می نگریم و نقطه های آنرا  
شمرده بعد پنج پنج طرح می کنیم، اگر یکی باقی ماند دفین در  
قسمت شمالی زمین مورد نظر است و اگر دو تا ماند در قسمت  
جنوبیست و اگر سه تا ماند در جانب مشرقست و اگر چهار تا ماند  
در جانب مغرب خواهد بود.

سپس هر کدام از این جهات که معلوم شد بهمین ترتیب  
تقسیم نموده تا زمین منتهی بنقطه معینی شود که آنجا محل  
دفین است.

۳ - سؤال از وضع حمل: اگر سؤال کنند آیا فلان زن حامله  
حملش مذکر است یا مؤنث برای استخراج آن شکل پنجم را  
می بایست در شکل ششم ضرب نمود، شکل حاصل اگر ذکور بود  
حمل مذکر و در صورت اناث بودن، حمل مؤنث است.

۴ - استخراج حکم مریض: برای استخراج حال مریض  
می باید شکل ششم را در نظر گرفت اگر داخلی باشد مریضش  
زیاده گردد و اگر خارجی است از آن مرض مستخلص شود و اگر  
ثابت باشد مرض طولانی می گردد و در صورتی که شکل منقلب  
باشد از آن مرض بهبودی یافته بار دیگر رنجور شود و اگر سعد



باشد بسہولت حالش نیکو شدہ و در صورت نحس بودن آن  
مرضش بہ مشقت بر طرف شود.

۵ - استخراج حسن و قبح: برای تحصیل حسن و قبح کاری یا  
عملی یا شخصی، می باید شکل ہفتم را ملاحظہ نمود اگر سعد و  
داخل باشد امر منظور حسن و در غیر این صورت قبیح است.

۶ - استخراج صدق و کذب: اگر بخواہیم صدق و کذب خبری  
را معلوم کنیم می باید در اشکال رمل نگریست اگر قوی و قمری  
باشند خبر صدق و در غیر این صورت کذب می باشد.

۷ - استخراج شکل سارق: اگر در خانہ ہفتم شکل لحيان  
باشد وی شخصی است کہ دارای ریشی انبوه است و رنگی زرد  
نیکو منظر طلیق اللسان بلند قامت و در صورت یا سرش نشانی  
می باشد و اگر در خانہ مزبور شکل قبض الداخل باشد وی  
گندمگون و خوش اخلاق و میانہ بالا و صورتی مدور و از بیت  
بزرگانست و اگر شکل قبض الخارج باشد وی شخصی است کہ  
دارای رنگی گرفته مایل بزردی و در صورتش علائم آبلہ بودہ و  
احیاناً نیز بہ بیماری کچلی مبتلاست و اگر شکل اجتماع باشد وی  
شخصی عظیم الجثہ و اسمر اللون می باشد و اگر شکل عقلم باشد  
او می باید کوتاہ قد و سیاہ چہرہ باشد چنانچہ شکل فرح عکس  
آنست و اگر انکیس باشد وی سیاہ چہرہ و بلند قامت و در پایش  
عیبی می باشد و اگر حمزہ باشد وی مردی است طویل الشارب،

سرخ روی و ارزق چشم و اگر بیاض باشد وی شخصی است سفید پوست طویل القامة و عظیم الرأس و اگر نصرۃ الخارج باشد وی دارای قَدی بلند، رنگی زرد و ابروانی پیوسته می باشد. چنانچه قبض الداخل نیز چنین است و اگر شکل عتبه الخارج باشد وی دارای قَدی متوسط و رنگی زرد می باشد.

ولی اگر شکل نقی الخد باشد وی کوتاه قامت، سیاه چهره و بداخلاق است چنانچه شکل عتبه الداخل علامت شخصی نیکو منظر و سفید پوست می باشد و اگر شکل اجتماع باشد وی شخصی است معتدل القامة، سمین و رنگی گندمگون دارد و اگر شکل طریق باشد سارق شخصی است بلند قامت و گندمگون.

۸ - استخراج حال محبوس: برای استخراج حال محبوس می باید در شکل دوازده نگاه نمود اگر شکل خارجی باشد رمل دلالت می کند که بسرعت خلاص می شود و اگر داخلی باشد یا ثابت پس در حبس می ماند، خصوص اگر شکل ثابت باشد و اما اگر شکل منقلب باشد وی آزاد شده و سپس گرفتار می شود و در صورتی که در خانه هشتم و دوازدهم شکل حمزه باشد محتمل است فوت شده باشد یا وی را بکشند.

۹ - استخراج غلبه بر اعداء: ابتدا از ضرب شکل دوازده در اول شکلی استخراج نموده که دلیل است بر حال سائل سپس از ضرب شکل دوازده در میزان شکلی دیگر که دلیل بر حال مسئول عنه

است تحصیل می نمائیم، پس هر کدام که سعد بودند غالب و دیگر مغلوب می باشد و اگر هر دو سعد باشند بینشان صلح و اگر هر دو نحس باشند این حال عداوت بینشان همچنان باقی می ماند.

۱۰- اطلاع از احوال بیمار: اگر نخواهند از احوال بیماری اطلاع

بههم رسانند باید در خانه ششم و هشتم بنگرند، در صورتی که در آن دو شکل سعد و داخل قرار گرفته باشند بیمار صحت و سلامتی یابد و اگر نحس و داخل باشند کارش به دشواری گراید و اگر در خانه ششم و هشتم و دهم یکی از این شکل ها آمده باشند:

(  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  ) (  $\equiv$  )

بیمار دست شست زیرا حکماء گفته اند:

(  $\equiv$  ) کور بوده و (  $\equiv$  ) جنازه باشد و (  $\equiv$  ) راه مرده کش

می باشد و (  $\equiv$  ) کفن بوده و (  $\equiv$  ) فریاد و ضجّه می باشد و

(  $\equiv$  ) مردن ناگهانی می باشد.

باید توجه داشت که خانه ششم حال بیمار بوده و دهم

مربوط به طیب و یازدهم شاهد بر شفاء از مرض می باشد لذا اگر

در خانه یازدهم شکل سعد بیاید عاقبت مریض خوب است و در

صورتی که شکل نحس قرار گرفته باشد عاقبتش بد است.

و اربابان این فن فرموده اند:

اگر در خانه دهم شکل سعد و داخل آمده باشد طیب مریض،

شخص دانائی است و اگر شکل نحس باشد طیب نادان است.

۱۱ - اطلاع از حال مال: اگر بپرسند آیا فلان مال در خانه یا در مکان دیگر گم شده یا دزد برده است؟  
باید رمل را ریخت و در آن نظر کرد:

اگر در خانه دوّم شکل خارج و نحس آمده باشد مال را دزد بیرون برده و اگر خارج و سعد واقع شده باشد مال را دزد نبرده بلکه صاحب مال آن را در جایی گذاشته است منتهی فراموش نموده و اگر شکل داخل در این خانه آمده باشد مال گم نشده و سائل دروغ می گوید و اگر شکل ثابت و سعد آمده باشد مال در همان مکان پنهان است و اگر شکل منقلب آمده باشد مقداری از آن مال را برده اند و مقدار دیگرش باقی است.

۱۲ - اطلاع از بدست آمدن مال مسروق: اگر بپرسند آیا مال دزد برده بدست می آید یا نه؟

شکل هشتم را باید در دوّم ضرب کرد در صورتی که حاصل ضرب شکل داخل باشد، مال بدست می آید و اگر شکل خارج بود مال بدست نیامده و بفرض که حاصل ضرب شکل منقلب باشد مقداری از آن بدست آمده و مقدار دیگرش بدست نمی آید.

۱۳ - اطلاع از رسوا شدن سارق: اگر بپرسند آیا دزد رسوا می شود یا نه؟

در خانه هفتم باید نگریست در صورتی که شکل خارج آمده باشد التبه رسوا می شود و اگر شکل داخل واقع شده باشد رسوا

نمی‌شود، چنانچه شکل منقلب نیز دلیل است بر رسوایش و چنانچه شکل ثابت دلالت بر رسوایش می‌کند.

۱۴ - اطلاع از تعدّد سارقین: اگر از تعداد سارقین سؤال شود؟ باید از خانه اوّل تا هفتم نگاه کنند در صورتی که شکل واقع در خانه هفتم در این چند خانه تکرار شده باشد تعداد آنها دلیل بر عدد سارقین می‌باشد و در صورتی که شکل مزبور متعدد نبوده و یکی باشد البته سارق نیز یکی می‌باشد.

۱۵ - سؤال از دزد: اگر بپرسند آیا دزد آشنا است یا بیگانه؟ باید نقطه‌های رمل را از خانه اوّل تا خانه پانزدهم شمرد و سپس سه تا سه تا طرح کرد در صورتی که باقی مانده یکی باشد دزد از همسایه‌ها بوده و اگر دو تا بماند دزد از اهل خانه بوده و آشنا می‌باشد و اگر سه تا بماند دزد بیگانه است.

۱۶ - سؤال از واقیّت نکاح: اگر بپرسند آیا این نکاح و ازدواج نیکو است یا نه؟

در خانه هفتم نگاه کنند اگر یکی از این شکل‌ها باشد:  
 $(\overline{\underline{\underline{\quad}}})$   $(\overline{\underline{\quad}})$   $(\overline{\quad})$   $(\overline{\underline{\quad}})$   $(\overline{\underline{\underline{\quad}}})$   
 است و اگر یکی از این دو شکل آمده باشد:  
 $(\overline{\underline{\underline{\quad}}})$   $(\overline{\underline{\quad}})$  خیری در آن نمی‌باشد.

۱۷ - سؤال از مسحور واقع شدن: اگر سؤال کنند که آیا فلانی مورد سحر واقع شده یا نه؟



در خانه نهم نگاه کنند در صورتی که اشکال نحس آمده باشد سحر واقع شده خصوصاً اگر شکل عتبة الخارج ( ۳ ) باشد و اگر اشکال سعد قرار گرفته اند سحری واقع نشده است.

۱۸ - سؤال از فرزنددار شدن: اگر سؤال کنند آیا اولاد در طالع

فلانی هست یا نیست؟

باید نظر در خانه پنجم کنند، در صورتی که شکل داخل آمده، اولاد در طالعش هست و اگر شکل خارج آمده باشد جواب منفی است.

۱۹ - سؤال از فروخته شدن متاع: اگر سؤال کنند آیا فلان متاع

فروخته می شود یا نه؟

در خانه دوّم یا ششم نگاه کنند اگر شکل خارج آمده، فروخته می شود و اگر شکل داخل آمده، فروخته نمی شود.

۲۰ - سؤال از فروختن و نگاه داشتن مال: اگر سؤال کنند این

مال را فروخته یا نگاه دارم؟

در خانه دوّم یا ششم نگاه باید نمود اگر شکل داخل یا ثابت آمده باشد مال را نگاه داشته و نفروشد و اگر شکل خارج یا منقلب آمده باشد آنرا بفروشد.

۲۱ - سؤال از سقط حمل: اگر سؤال کنند حمل ساقط می شود یا

نه؟

در خانه ششم نگاه کنند در صورتی که شکل خارج است

ساقط می شود و اگر داخل است ساقط نمی شود.

۲۲ - سؤال از حمل زن حامله: اگر سؤال کنند آیا این زن حامله

است یا نه؟

در خانه ششم اگر شکل داخل آمده، حامله است و اگر شکل

خارج قرار گرفته، حامله نیست.

۲۳ - سؤال از صدق و کذب خبر؟ اگر پرسند فلان خبر صادق

است یا کاذب؟

نقطه های رمل را از خانه اول تا شانزدهم با هم جمع کن

سپس دو تا دو تا طرح نما اگر یکی باقی ماند خبر کاذب بوده و در

غیر این صورت صادق است.

۲۴ - سؤال از مکان دفینه: اگر پرسند آیا در فلان مکان دفین

هست یا نه؟

باید به شکل چهارم و ششم نگاه نمود اگر داخل باشند

دفین هست و در غیر این صورت جواب منفی است.

۲۵ - سؤال از استخلاص محبوس: اگر از حال محبوس و

خلاصی او سؤال کنند؟

باید در خانه دوازدهم نگریم در صورتی که شکل خارج

آمده البته سریعاً خلاص می شود و اگر شکل داخل و یا ثابت قرار

گرفته حتماً در حبس می ماند و اگر شکل منقلب آمده باشد خلاص

شده ولی بعد از آن دو مرتبه به حبس برده می شود.